

## Unit 2

### تصادف

تصادف یک اتفاق نامطلوب غیر منتظره است  
او پس از تصادف جدی رانندگی مجبور شد به بیمارستان برود

### دریادار

دریادار شخصی است که بسیاری از کشتی های نظامی را کنترل می کند  
آنها به دلیل رهبری بزرگ دریادار در جنگ دریا پیروز شدند

### قوس

قوس یک شکل منحنی است  
رنگین کمان شکل قوس دارد

### شخصیت

کاراکتر شما شخصیت شماست  
شخصیت خواهرم سرگرم کننده و بسیار اجتماعی است

### وجدان

وجدان شما حس درونی شما نسبت به درست و غلط است  
من همه چیز را که بتوانم دوباره استفاد میکنم ، بنابراین وجدانم پاک است

### آتشین

اگر چیزی آتشین باشد ، به شدت می سوزد  
شعله های آتشین تمام شب می سوزید

### گوشت

گوشت ؛ پوست ، ماهیچه و چربی بدن شما است  
گوشت گورخر دارای نوارهای سیاه و سفید است

### گریپ فروت

گریپ فروت میوه ای است شبیه پرتقال ، اما بزرگتر و به آن شیرینی نیست  
آیا می خواهید یک گریپ فروت همراه صبحانه خود میل کنید؟

### یونجه

یونجه چمن خشکی است که برای تغذیه حیوانات استفاده می شود یا به عنوان پوشش استفاده می شود  
من باید یونجه بیشتری بخرم تا اسب روی آن بخوابد

### وحشت زده

اگر وحشت کنید ، بسیار شوکه شده اید و احساس ناراحتی می کنید  
وقتی در مورد بانوی پیر که مورد حمله قرار گرفته بود خواندم وحشت کردم

### نفت سفید

نفت سفید نوعی روغن است

در بعضی از لامپها و اجاق گازها استفاده می شود  
بسیاری از مردم در کشورهای فقیر روی اجاق های نفت سفید آشپزی می کنند.

حلقه

حلقه خطی است که به شکل دایره ساخته شده است  
با طناب حلقه ای درست کرد و آن را بالای تیر قرار داد

پارو

پارو ، قطعه ای از چوب یا پلاستیک است که قایق را از طریق آب عبور می دهد  
ما به یک پارو نیاز داریم تا به ما کمک کند تا در پهنای آب حرکت کنیم

قایق

قایق یک سکو شناور است که از تکه های چوب بهم گره خورده است  
مرد از بامبو یک قایق درست کرد و به دریا شناور شد

ترش

وقتی چیزی ترش باشد طعم تند و ناخوشایندی دارد  
من لیمو را دوست ندارم چون فکر می کنم خیلی ترش است

تیرک

تیرک یک قطعه چوب یا فلز کوچک و تیز است که در زمین قرار می گیرد  
ما با قرار دادن تیرک در زمین ، اموال خود را علامت گذاری کردیم

پیشکار

پیشکار شخصی مانند پیشخدمت است که در هواپیما و کشتی غذا سرو می کند  
پیشکار در حال آوردن چای است

نخ

نخ یک پارچه یا طناب نازک است  
یک توپ بزرگ نخ پیدا کردم

خار

خار قسمت تیز گیاه است

هنگام کندن گل های رز مواظب خار باشید!

خراب کردن

خراب کردن چیزی به معنای از بین بردن آن است  
نوجوانان بدون هیچ دلیلی خانه را خراب کردند

جزیره میمون ها

در وسط اقیانوس ، یک جزیره کوچک به شکل قوس وجود دارد. در اینجا میمون ها در ساحل و درختان بازی می کنند. اما  
چگونه میمون ها به آنجا رسیدند؟

یک بار ، یک دریادار انگلیسی در حال کاوش در آفریقا بود که صدها میمون را پیدا کرد. شخصیت دریاسالار پست بود. او فکر  
کرد ، "من می توانم این میمون ها را بفروشم و بسیار ثروتمند شوم! می خواهم آنها را به انگلیس ببرم."

بنابراین دریادار برای گرفتن میمون ها تله هایی تنظیم کرد. او چوب هایی را در زمین قرار داد ، دور آنها را گره زد و حلقه هایی را در رشته ایجاد کرد. وقتی میمون ها از میان جنگل دویدند ، پاهایشان گرفتار حلقه ها شد و دیگر نتوانستند فرار کنند. سپس دریادار میمون ها را در قفس های کشتی خود قرار داد و با کشتی دور شد.

قفس ها کوچک و ناراحت کننده بودند. یونجه نرم برای خوابیدن میمون ها وجود نداشت. در عوض ، آنها روی شاخه هایی با خارهای تیز میخوابیدند که گوشت آنها را میبرد. برای شام ، او قطعات کوچک گریپ فروت ترش را به آنها می داد تا بخورند. میمون ها گرسنه و ضعیف شدند.

اما یک روز ، دریادار پیشکار جدیدی را استخدام کرد. او مردی مهربان و با وجدان خوب بود. او از دیدن میمون های لاغر در قفس ها وحشت کرد. بنابراین یک شب آنها را بیرون داد.

میمون ها در سراسر کشتی می دویدند و بازی می کردند! آنها به دریادار و پیشکار حمله کردند و غذای آنها را خوردند. آنها کشتی را کاملاً خراب کردند. یک میمون به لامپ نفت سفید برخورد کرد و آن سقوط کرد. کشتی آتش گرفت و شروع به غرق شدن کرد! تمام خدمه به جز میمون ها گم شدند.

پس از حادثه ، میمون ها به یک قایق پریدند. آنها از شعله های آتش کشتی دور شدند. صبح ، آنها یک جزیره کوچک را از دور دیدند. میمون ها

از یک تکه چوب به عنوان پارو استفاده کردند و آنها

به سمتش رفتند آنها جزیره را به شکل قوس پیدا کردند. آنها

احساس خوشحالی زیادی می کردند از اینکه خانه ی جدیدی پیدا کردند ، و آنها هنوز هم در آنجا زندگی می کنند.